



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون
 موضوع جزئی: تذکر اخلاقی - ۴. شهرت - تنقیح محل نزاع - مطلب اول
 تاریخ: ۲۵ شهریور ۱۴۰۳
 مصادف با: ۱۱ ربیع الاول ۱۴۴۶
 سال شانزدهم
 جلسه: ۱

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

راههای وصول به کمال

امروز جلسه اول بحث اصول است و در آغاز سال تحصیلی طبق سنتی که داریم همه ساله بحث را با روایتی از ائمه معصومین (ع) آغاز می کنیم تا انشاء الله هم موجب تیمن و تبرک باشد و هم در مقام عمل به کار ما آید و انشاء الله ما بتوانیم با به کارگیری این دستورات و تعالیم سعادت دنیا و آخرت را برای خودمان تضمین کنیم.

قال الباقر (ع): «الکمالُ کُلُّ الکمالِ التَّفَقُّهُ فی الدِّینِ وَ الصَّبْرُ علی النَّائِبَةِ وَ تَقْدِیرِ الْمَعِیشَةِ»^۱.

امام باقر (ع) می فرماید: کمال بلکه همه کمال در سه چیز است، اگر انسان این سه امر را فراهم کند و مراعات کند در زندگی به حقیقت کمال دست پیدا کرده است. کمال که مقصد اعلائی آدمی است. کمال که مقصد اعلائی خلقت و آفرینش است. همه این عالم برای انسان آفریده شده است و انسان هم برای کمال. اگر انسان به دنبال کمال نباشد نقض غرض کرده است. خودش را از بین برده و هلاک کرده است. کمال به معنای شکوفا شدن استعدادهای انسانی است. کمال یک چیز به فعلیت رسیدن آن چیز است، هرچه قوه ها در انسان به فعلیت برسند، هرچه استعدادها در انسان شکوفاتر شود و عینیت پیدا کند، درجه و مرتبه بالاتری از کمال نصیب انسان می شود. پس کمال انسانی مقصد آفرینش انسان است و به این معنا است که قوا و استعدادها و نیروهایی که خداوند در انسان قرار داده است برای قرب به حضرتش به فعلیت برسند. امام باقر (ع) می فرماید: الکمال کل الکمال؛ همه کمال، نه یک بخش و مرحله ای، حقیقت کمال انسانی این سه امر است.

۱. التَّفَقُّهُ فی الدِّینِ

تفقه در دین، فهم در دین، نه صرفاً فقاہت به معنای مصطلح، تفقه و تفهم دین یعنی حقیقت دین را دریابد و بفهمد. نقشه راه زندگی را بشناسد. فهم دین و تفقه در دین در واقع به معنای شناسایی نقشه راهی است که خداوند برای انسان ترسیم کرده است تا به هدف برسد، تا به کمال برسد. مهمترین چیزی که می تواند کمال انسانی را تضمین کند تفقه در دین است البته این نه صرفاً با دانستن بلکه با عمل به آن حاصل می شود. فقه مصطلح، علم کلام، علم توحید، نقشه کلی راه دین را درک کند و طبیعتاً مطابق با آن نقشه راه حرکت کند و حرکتش را با این نقشه تنظیم کند. مسلماً کمال در صورتی که انسان تفقه در دین داشته باشد و به آن عمل نکند حاصل نمی شود.

^۱ تحف العقول، ص ۲۱۳.

۲. الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ

در مشکلات و سختی ها، صبوری کند در گرفتاری ها و مشکلات. وقتی مواجه با امری می شود که ملائم با او نیست، سختی پیش می آید، گرفتاری پیش می آید، یک حادثه ای پیش می آید که موجب الم و درد و رنج می شود، حال این می تواند از یک امر جزئی باشد تا خدای نکرده گرفتاری های بزرگتر مثل از دست رفتن حیثیت و آبرو و از دست رفتن عزیزان و خویشان و فرزند و همسر، صبر بر این امور، صبر بر مشکلات، این هم خیلی به کمال انسان کمک می کند. مرحوم محقق خراسانی، در اوائل طلبگی آنچنان با فقر دست و پنجه نرم می کرد که گاهی تا مدتها خوراکی برای خوردن پیدا نمی کرد. آن قدر در فشار بود از نظر معیشت که می گوید که کسی از طلاب به من اعتنا نمی کرد و جز عده ای که مثل خود من بودند و وضع بسیار سختی داشتند کسی توجهی به ما نداشت. ایشان زن و فرزندش را از دست داد. آمد در مدرسه و آنچنان غرق در درس و بحث و مطالعه شد که گویی این حادثه اتفاق نیفتاده. خیلی روحیه قوی می خواهد کسی در چنین شرایطی قرار بگیرد و چنین مصیبتی بر او وارد شود ولی دست از تحصیل و تعلم بر ندارد. مشکلات مالی که فراوان داشتند، بعد هم زن و فرزندش را از دست داده بود ولی آنچنان سخت کوشی داشت که گاهی ساعت ها می گذشت و او گذشت زمان را متوجه نمی شد. این چه عشق و علاقه ای بود که وادار می کرد او را در برابر این سختی ها و ناملائمات مقاومت کند.

۳. تَقْدِيرِ الْمَعِيشَةِ

اینکه انسان زندگیش را با حساب و کتاب کند، اندازه بگیرد، برنامه ریزی برای زندگی داشته باشد. تقدیر در معیشت یعنی اندازه و قدر در زندگی معلوم باشد، برنامه ریزی، چه در امور مالی و چه غیر مالی.

انسانی که در زندگی مالی برنامه نداشته باشد به جایی نمی تواند برسد. امام باقر(ع) در کنار تفقه در دین تقدیر المعیشه را نیز ذکر کردند. برنامه ریزی در زندگی به این معنا نیست که انسان خدای نکرده توجه به دنیا پیدا کند بالاخره انسان در این ظرف زندگی می کند و در این دنیا حضور دارد. حال که در این دنیا زندگی می کند برای حضورش در این دنیا در قالب های مختلف باید برنامه داشته باشد. حال این یک وقت در دورانی است که ازدواج نکرده و مجرد است آن مقتضیات خاص خودش را دارد و یک وقت ازدواج می کند که این یک اقتضای دیگر دارد. این برنامه ریزی هم باید در جهت مالی باشد و هم در جهت تأمین معیشت و درآمد باشد و هم برای تحصیل باشد. برای همه ابعاد زندگی تقدیر و برنامه ریزی باید باشد.

امام باقر(ع) می فرماید: کمال انسانی با این سه چیز تحقق پیدا می کند و ما لازم نیست برای رسیدن به قله کمال راه های غیر متعارف و پر پیچ و خم را طی کنیم. خیلی ها را می بینیم می گویند ما دوست داریم کاملتر شویم و رشد کنیم و ارتقاء پیدا کنیم از نظر معنوی و حتی مادی به دنبال نسخه های غیر متعارف می روند؛ سراغ بعضی از اشخاصی می روند که معلوم نیست آنها چگونه می توانند اینها را راهنمایی کنند. هیچ کدام از اینها لازم نیست، اگر واقعا می خواهیم به این قله ها برسیم، کمال انسانی در ما شکوفا شود، استعدادهای خدا دادی به فعلیت برسد و ما به مقام قرب الهی برسیم در حد توان، همین سه کار انجام شود به فرموده امام باقر(ع) ما به هدف می رسیم.

۱. تفقه در دین؛ همین کاری که الان ما داریم می کنیم تفقه در دین است، البته تفقه در دین فقط منحصر در محصلین و دانشجویان و امثالهم نیست، اینطور نیست که طلاب فقط در این مسیر گام بردانند. نه حتی کسی که کارمند، کارگر، کاسب، کشاورز است او هم

می تواند تفقه در دین داشته باشد، تفقه در دین منحصر در طلاب یا دانشجویان علم الهی نیست، نه همه می توانند تفقه در دین داشته باشند و بلکه باید داشته باشند.

۲. صبر بر مشکلات؛ انسان در کنار تفقه در دین باید بر مشکلات صبور باشد.

۳. تقدیر المعیشه؛ زندگی خود را با برنامه پیش ببرد. حتی یک کار جزئی که نه نزد دیگران اهمیت دارد و نه نزد خودمان، همین کار جزئی که انسان می خواهد انجام بدهد باید با برنامه و نظم و انضباط پیش برود. ما یک مقداری در این جهت مشکل داریم، برای برنامه ریزی خیلی حساب باز نمی کنیم، خیلی به نظم و انضباط نه در امر تحصیل و نه در امر معیشتان اهمیت نمی دهیم. بالاخره انسان اگر یک روز هم در این دنیا می خواهد باشد باید همان یک روز را با نظم و برنامه پیش ببرد. چون با برنامه است که انسان می تواند حداکثر استفاده از وقت و به نتیجه رساندن کارهای خودش داشته باشد. این خیلی مهم است. تفقه در دین و صبر بر مشکل و برنامه ریزی زندگی. این سه تا را ما سعی می کنیم به آن ها عمل کنیم. زیرا فرموده امام باقر(ع) است که الکمال کل الکمال، همین ها را مراعات کنیم، سعی کنیم در کارهایمان یک مقدار برنامه ریزی داشته باشیم، در مشکلات صبور باشیم و فوری زبان به شکایت و گله نگشاییم و خشمگین نشویم و تحمل داشته باشیم، گاهی در مواجهه با مشکلات به جای اینکه خودمان اذیت شویم دیگران را اذیت می کنیم، یک مشکلی که کسی پیدا می کند در رفتار و اخلاق و سخن او اثر می گذارد و شروع می کند با تندى با دیگران صحبت می کند. خب اگر مشکلی پیش آمده باید صبر کرد، چرا تندى و چرا برخورد ناخوشایند و نادرست.

در کلام دیگری امام باقر(ع) می فرماید: «الْحِلْمُ لِبَاسُ الْعَالِمِ فَلَا تَعْرَيْنَ مِنْهُ»؛ حلم و بردباری لباس عالم است، عالم با لباس قطعا محترم است، اگر انسان لباس نداشته باشد می شود برهنه و دیگر احترامی ندارد، انسان برهنه دیگر احترامی ندارد، همین پوشاک ظاهری و همین لباسی که انسان می پوشد انسان را از برهنگی حفظ می کند، نمی گذارد انسان برهنه باشد و این موجب حفظ احترام و وقار اوست، عالم هم نه بدنش، بلکه آن حیث عالم بودنش وقتی محفوظ می ماند که خودش را با لباس حلم و بردباری ببوشاند. عالم غیر صبور دانشمند غیر بردبار، مثل یک جسم برهنه است که از او سلب احترام می شود، دانشمند غیر صبور هم احترام ندارد. برای همین است که این همه روی صبر و بردباری و حلم تکیه شده است.

به هر حال امیدوارم به لطف خداوند متعال و عنایات حضرات معصومین(ع) و ادعیه خالصانه وجود مقدس امام زمان(عج) ما بتوانیم زمینه های فعلیت یافتن قوای انسانی را در خودمان فراهم کنیم و انشاء الله با رعایت این امور خودمان را به قله های کمال انسانی برسانیم. انشاء الله با دعای خیر ولی عصر(عج).

یادآوری

بحث ما که یک مختصری در حد چند جلسه ادامه خواهد یافت در مورد شهرت است بعد وارد بحث خبر واحد می شویم. اصل بحث در مورد امارات و ظنون خاصه بود. اموری که مفید ظن هستند ولی به دلیل خاص معتبر دانسته شدند و به عنوان حجت قلمداد شده اند. تا اینجا ما چند امر را بررسی کردیم. ظواهر کتاب که مفید ظن بود، دیگری اجماع بود، هر آنچه که مفید

ظن است ما بررسی کردیم که آیا معتبر است، یعنی آیا دلیل بر اعتبار آن داریم تا به عنوان ظن خاص شناخته شود یا از جمله ظنونی است که ما دلیل بر اعتبار آن نداریم.

۴. شهرت

در فصل پیشین در مورد اجماع مفصلاً بحث کردیم، یکی از اموری که مفید ظن است و باید مورد رسیدگی قرار بگیرد که آیا دلیل بر اعتبار آن وجود دارد یا خیر شهرت است که به دنبال بحث از اجماع مطرح می شویم. این بحثش خیلی طولانی نیست و ما بعد از این وارد بحث از حجیت خبر واحد می شویم.

نتیجه محل نزاع

برای اینکه محل نزاع در این فصل معلوم شود سه مطلب را ما عرض می کنیم. بیان این سه مطلب یا این سه امر در واقع موجب می شود که محل بحث و نزاع اینجا مشخص شود.

مطلب اول

مطلب اول اینکه در علم اصول به طور کلی در سه موضع درباره شهرت بحث می شود یعنی سه جا می بینید که درباره شهرت بحث شده است.

۱. تعادل و تراجیح؛ ۲. بحث از حجیت خبر واحد؛ ۳. در همین موضع، این یکی از مواضع سه گانه ای است که در مورد شهرت در علم اصول از آن سخن به میان آمده است.

شهرتی که محل نزاع ما می باشد و در این فصل به آن پرداخته می شود به نام شهرت فتوایی شناخته می شود و آن دو قسم دیگر از بحث ما خارج هستند. یکی شهرت روایی که در بحث تعادل و تراجیح مطرح می شود و یکی هم شهرت عملی که در یک بخشی از مباحث حجیت خبر مورد اشاره قرار می گیرد.

منظور از این سه قسم چیست؟ منظور از شهرت روایی، شهرت عملی و شهرت فتوایی چیست؟

شهرت روایی: به معنای شهرت در نقل یک روایت از ناحیه روات متعدد است. اگر فرض کنید یک روایت را راویان متعدد نقل کنند تعداد کثیری از راویان یک روایتی را نقل کنند شهرت روایی محقق می شود. شهرت در نقل روایت در مقابل قلت نقل روایت است در بحث تعادل و تراجیح شهرت روایی یکی از مرجحات شمرده شده است، خذ بما اشتهر بین اصحابک، آنجا منظور شهرت روایی است ممکن است از آن برخی یک استفاده دیگری بکنند ولی قدر مسلم شهرت روایی است. در جایی که بین دو خبر تعارض پیش بیاید آنجا می گویند به روایت مشهور اخذ کنید و روایت غیر مشهور را کنار بگذارید.

شهرت عملی: شهرت عملی به معنای آن است که مشهور در مقام فتوا به یک خبری استناد کنند. خبری مثل نهی النبی عن بیع الغرر، این به عنوان نبوی مشهور شده است ممکن است سند این روایت هم ضعیف باشد، ولی همین قدر که مشهور به این روایت استناد می کنند و فتوا می دهند این می شود شهرت عملی. آن وقت این بحث مطرح می شود که آیا استناد مشهور به یک خبر ضعیف در مقام فتوا موجب جبران ضعف آن خبر می باشد یا خیر، این تحت این عنوان مطرح می شود. جابریت شهرت نسبت به ضعف سندی. این شهرتی که از جبران آن سخن به میان می آید شهرت عملی است.

شهرت فتوایی: یعنی یک حکمی از احکام توسط فقها به آن فتوا داده شده باشد بدون آن که مستندش معلوم باشد. می بینیم یک تعداد زیادی از فقها فتوا دادند به یک حکمی در حالیکه مستندش هم برای ما معلوم نیست. پس برای تنقیح محل نزاع گفتیم سه مطلب را باید بیان کنیم. مطلب اول اینکه آن شهرتی که در این مقام از آن سخن به میان می آید که آیا حجت است یا خیر و دلیل بر اعتبارش وجود دارد یا خیر و از ظنون خاصه شمرده می شود یا خیر، شهرت فتوایی است نه شهرت روایی و نه شهرت عملی.

والحمد لله رب العالمین»